

دربارهٔ اظهارات کروی و رادیکالیسم و ساده‌سازی‌های تاریخی او

ساده‌لوحی بی‌پایان شیخ



علی مژوعی

خبرنگار گروه سیاست

مهدی کروی که سال ۸۴ کمی بیشتر از ۵ میلیون رأی داشت، در انتخابات ۸۸ یک‌دهم این مقدار رأی را هم کسب نکرد و پس از آن برای اینکه ورزش بیشتر به چشم بیاید خود را به یکی از اضلاع فتنه تبدیل کرد. او اخیراً بعد از آزادی از حصر خانگی در جلسه با اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی حضور یافته و در این جلسه اظهاراتی را مطرح کرده است که نشان می‌دهد او همچنان برای دیده شدن و در صدر اخبار قرار گرفتن، مسیر جدیدی جز حاشیه‌زی بودن را نیاموخته است. او شرایط کنونی را بحران‌زده توصیف کرده و با مقصر دانستن شیوه حکمرانی ایران، مذاکره مستقیم با آمریکا را به عنوان چاره معرفی کرده است. کروی که در این جلسه سابقه همراهی خود با امام خمینی را یادآور می‌شود بدون توجه به مثنی ضداستکباری امام، نقض پیمان مکرر آمریکا ازجمله اقدام نظامی اخیر و تلاش برای نابودی میز مذاکره را کاملاً سانسور کرده و این گونه القا می‌کند که تابوهای خودساخته ایران عامل گرفتاری مردم است. طبیعی است کسی که می‌خواهد صرفاً آیده‌های تک‌خطی بدون پشتوانه و تضمین اجرایی همچون مذاکره مستقیم را روی میز قرار بدهد نباید هم به نقش طرف مقابل در گرفتاری‌های به وجود آمده اشاره کند. اما طنز ماجرا این است که افرادی همچون کروی که سال‌هاست در توهم پیمان صلح با آمریکا به سر می‌برند سایرین را به توهم و گرفتاری در تابوهای خودساخته متهم می‌کنند. کسانی که در تزییح اقدامات ضد ایرانی و علنی طرف مقابل حاضر نیستند حتی یک جمله انتقادی طرح کنند، چگونه می‌توانند مدعی شوند قدرت تکلمشان را در تابوهای خودساخته و فضاهای گمده‌ای از دست نداده‌اند؟

با خودتان هم در تناقضید

کروی در بخشی از صحبت‌هایش وضعیت کشور را نتیجه سیاست‌های غلط و ماجراجویانه توصیف کرده است. فارغ از پرداختن به سیاه‌بینی مطلق کرویسی، یک تضاد تاریخی در عملکرد او با اظهارات امروزش جلب توجه می‌کند. کسی که کشور را متهم به ماجراجویی می‌کند، در حج خونین سال ۶۶ مسئولیت داشته است. او بعدها طی مصاحبه‌ای مراسم برانث از مشرکان را به معنی «صدور مسالمت‌آمیز انقلاب» توصیف کرده بود. البته مفهوم صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی به معنی الگوگیری ملت‌ها و دولت‌ها از ایران برای رهایی‌دن خود از سلطه خارجی و جلوگیری از غارت منابعشان است و این تعبیر ایشان در جلد ۱۳ صحیفه امام در صفحه ۲۸۱ این گونه آمده است: «ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و دست آن‌ها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همهٔ ملت‌ها و در همهٔ دولت‌ها بشود، آرزوی ما این است،» کروی که حتی در همین جلسه با اعضای سازمان



مجاهدین انقلاب اسلامی خود را از اعضای همراه امام از ابتدای نهضت معرفی می‌کند باید به این پرسش پاسخ دهد که نسبت اظهارات امروز او با آنچه امام به آن اعتقاد داشت و خود کروی نیز به عنوان مسئول بعثه ایشان در حج سال ۶۶ اجرایی کرده بود، چیست. از آن زمان تاکنون ایران هیچ‌گاه ادعای صدور مسلحانه انقلاب را نداشته و همچنان هم کشورهای منطقه را به خروج از سلطه غرب تشویق می‌کند بدون اینکه دخالتی داشته باشد. ایران هیچ‌گاه اقدامی که کروی آن را ماجراجویی در مسائل بین‌المللی توصیف می‌کند انجام نداده و اگر اقدامات مسالمت‌آمیزی همچون حج برانث که محل سر دادن شعارهای ضداستکباری است مطابق تعریف او ماجراجویی محسوب می‌شود، پس خود او اولین کسی است که باید پاسخگوی اقداماتش باشد نه منتقد.

رادیکالیسم خوب است اما نه برای همسایه!

مهدی کروی در حالی با متهم کردن کشور به اتخاذ رویکردهای ماجراجویانه در فضای بین‌المللی و در حوزه مسائل داخلی سعی در رادیکال جلوه دادن رویکردهای کشور دارد که خود او یکی از نمادهای رادیکالیسم در کشور است. کسی که امروز مدعی است «برخی کشور را ملک خانوادگی خود می‌دانند» و خواهان «بازگشت به سمت مردم و به رسمیت شناختن حق آنان» است، خود متهم ردیف دوم حمله به حق مردم است. کروی که در سال ۸۸ تیغ دیگر قیچی بوده و به جان آرای مردمی افتاده است چگونه می‌تواند خود را مدعی حق‌خواهی مردم جلوه داده و به کشور اتهام تدروی بزند. آیا نادیده گرفتن آرای مردم و نپذیرفتن شکست به این معنی نیست که این کروی بوده که کشور را ملک شخصی خودش تصور کرده و هرگونه تصمیم

جمعی در تضاد با منافع شخصی را برنمی‌تابد؟ کسی که برای منفعت سیاسی شخصی حاضر است منافع ملی را قربانی کرده و کشور را تا مرز فروپاشی ببرد، چگونه می‌تواند به دیگران چنین برجسی بزند؟ رادیکالیسم در رفتار شخصی کروی نیز نمود داشت. مرتضی محمودی، قائم‌مقام کروی در بنیاد شهید روایت‌هایی از برخوردهای زننده او را تشریح می‌کند: «آقای کروی انسان مغروری بود و چون نماینده امام در بنیاد شهید بود، فکر می‌کرد هر کار غیراخلاقی و غیرانسانی می‌تواند انجام بدهد. او برخی از افراد که نسبت به اموال شهدا شکایت داشتند، به جای اینکه به دادگاه خانواده بفرستد، خود فردی را به عنوان قاضی در بنیاد شهید منصوب کرده بود و هرکس که پرویی می‌کرد به زندان می‌انداخت. حتی در مواردی خودش به صورت آنان سبیلی می‌زد. بنده سر این موضوع چند بار با ایشان دعوا کردم. او با کارمندان و مسئولان بنیاد شهید هم این گونه برخورد می‌کرد؛ به طور مثال به صورت رئیس بنیاد شهید یک شهرستان سیلی می‌زد. یک بار به صورت یکی از همشهری‌های ما سیلی زد که همشهری ما بلند شد کروی را بزند که بنده او را کنترل کردم.» کسی که این چنین غرق در رفتارهای تند است اکنون سایرین را متهم به رادیکالیسم می‌کند.

اگر نهادها هیچ کاره‌اند چرا همیشه در صف ثبت‌نام انتخابات بودید؟

کروی با متهم کردن ایران به انحصارطلبی و نادیده گرفتن قانون اساسی سعی دارد تصویر استبدادی از حاکمیت کشور ساخته و آن را با حکومت پهلوی برابر کند. او در حالی با چنین اتهاماتی که هویت دیکتاتوری از ایران ساخته و سایر نهادهای تصمیم‌گیر را تلویحاً مسلوب‌الاراده جلوه می‌دهد که بارها

در انتخابات‌های مختلف مجلس و ریاست‌جمهوری کاندیدا شده است. این سؤال در مقابل او قرار دارد که اگر نهادهای مختلف قدرتی نداشته و ما با وضعیت استبدادی مواجهیم، پس چرا او برای مسئولیت گرفتن حتی تا حد نابودی ایران نیز پیش رفته است. اگر او مدعی شود پس از این مسئولیت‌ها به این درک رسیده که نهادهای مختلف بدون قدرت هستند باز با یک سؤال دیگر مواجه خواهد شد که چرا در سال ۸۳ پس از ۷ سال تصدی کرسی ریاست مجلس چنین اعتقادی را مطرح نکرده است. این تناقض‌ها این ابهام را به وجود می‌آورد که توصیف وضعیت استبدادی برای ایران از زبان کروی نه به دلیل وجود استدلال بلکه صرفاً با هدف انتقام از مردم ایران بابت شکست در انتخابات ۸۸ بوده است. شکستی که باعث شد او و دیگر کاندیدای مغلوب به قدرت‌های خارجی این پیام را بدهند که فضای آشوب در ایران فراهم است. شاید ارسال چنین پیامی در سال ۸۸ بود که باعث شد آمریکا و اسرائیل این مدل را در سال‌های بعد چندین بار آزمایش کرده و در مورد کارایی داشتن آن تا حدی امیدوار شوند که یک جنگ ۱۲ روزه را نیز به کشور تحمیل کرده و هزاران نفر را شهید و مجروح کنند.

توهم شما کی تمام می‌شود؟

کروی در قسمت‌های پایانی صحبت‌هایش جملاتی را به کار می‌برد که برای خود او بیشتر کارکرد دارد. کروی می‌گوید: «لازم است برخی مسئولان خود را از منیت، توهمات و تابوهای خودساخته برهاند تا بیش از این ملک و ملت گرفتار نشوند.» این جملات کروی کاملاً درست است. برای رفع گرفتاری‌های مردم همواره لازم است برخی مسئولان فعلی و یا برخی مسئولان سابق ازجمله خود کروی از خواب زمستانی بیدار شده و از توهمات و تابوهای خودساخته بیرون بیایند. اینکه کسی بدون توجه به هدف قرار دادن میز مذاکره توسط آمریکا، ایران را مقصر جلوه داده و بازم بدون مطالبه هیچ‌گونه تضمینی دعوت به مذاکره از جنس مستقیم کند، چه چیزی جز توهمات افرادی را تصویر می‌کند که همواره امید دارند مذاکره با آمریکای بدعهد به نتیجه برسد. کروی که خود را از همراهان امام معرفی می‌کند در این صحبت‌ها حاضر نیست حتی یک جمله در جهت خط اصلی حرکت امام خمینی یعنی مبارزه با استکبار بگوید. کسی که حتی حمله نظامی به کشور را محکوم نمی‌کند چگونه می‌تواند مدعی شود در توهم و تابو گرفتار نشده است.

کروی درحالی مدعی است برای حفظ تمامیت ارضی و برداشته شدن سسایه جنگ از سسر ایران باید تن به مذاکره مستقیم داد که در زمان احیای میز مذاکره با آمریکا، به ایران جنگ تحمیل شد و طرف مقابل حتی خط پایانسی نیز برای براندازی و تجزیه ایران تعریف کرده بود اما واکنش قاطع نظامی ایران منجر به عقب‌نشینی آمریکا و اسرائیل شد. اگرچه نباید منکر آن شد که برای تأمین منافع ملی همه ابزارها ازجمله مذاکره می‌توانند به کار گرفته شوند اما تخر به جنگ اخیر اثبات کرد که صرفاً امید بستن به مذاکره برای برداشستن سایه تش چیزی جز یک توهم کلیشه‌ای که برخی مدام بر زبان می‌آورند نیست.

در سایهٔ انفعال دولت‌های عربی، بزرگ‌ترین کاروان دریایی دنیا شامل صدها آزادی‌خواه از ۴۴ کشور جهان راهی غزه شد

کشتی احرار



علی ملکی

خبرنگار گروه سیاست

در بحبوحه تشدید وحشیانه حملات رژیم اشغالگر به مردم غزه و در اوج انفعال و خیانت برخی شیوخ عرب که با سکوت و همراهی شرم‌آور خود در برابر این جنایات، شریک جرم محسوب می‌شوند، موج جدیدی از دادخواهی جهانی علی‌رغم تلاش دولت‌ها برای سرکوب آن شکل گرفته است.

درحالی‌که حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی رژیم صهیونیستی به سیاست سرکوب و محاصره غزه مشروعت می‌بخشند، ناوگان جهانی «صمود» بادبان‌ها را کشیده و به سمت قلب غزه در حرکت است. این کاروان دریایی متشکل از ده‌ها کشتی با صدها فعال حقوق بشر و آزادی‌خواه از ۴۴ کشور جهان، با هدف شکستن محاصره ظالمانه غزه و رساندن کمک‌های ضروری به مردم آن گامی مهم در جهت بیداری وجدان‌های جهانی برداشته است. تلاش‌های این چنینی برای شکستن حصر غزه ریشه‌دار است و پیش از این نیز فعالان حقوق بشر بارها تلاش کردند تا حصر بی‌رحمانه را بشکنند اما هر بار رژیم صهیونیستی با استفاده از خشونت و نقض آشکار قوانین بین‌المللی، اجازه به ثمر رسیدن این تلاش‌های بشردوستانه را نداده و حتی به بهای کشتار بو میان، مانع از رسیدن کمک به مردم غزه شده است. با این حال، تجارب حرکات انفرادی گذشته باعث شکل‌گیری ناوگان «صمود» شد و این بار به جای کشتی، یک کاروان بزرگ و متحد به راه افتاده تا هزینه مقابله با آن برای ارتش اسرائیل افزایش یابد و امکان پنهان کردن جنایات، دشوارتر شود. اگرچه محتمل است که ارتش اسرائیل مانند دفعات قبل به این ناوگان نیز حمله کند و مانع از نزدیک شدن آن به نوار غزه شود، اما نفس این حرکت و اتحاد جهانی پشت آن اهمیت ویژه‌ای دارد.

ناوگان «صمود» چطور تشکیل شد؟

ناوگان جهانی «صمود» به معنای پایداری و مقاومت، بزرگ‌ترین کاروان دریایی جهان است که از ۵۰ قایق و کشتی کوچک و بزرگ تشکیل شده و هیئت‌هایی از ۴۴ کشور جهان را در خود جای داده است. این کاروان در حال حاضر سفر خود را از بندار اسپانیا آغاز کرده و قرار است در تونس و یونان به دیگر کشتی‌ها ملحق شود تا به‌صورت یکدست به سمت غزه حرکت کند. بر اساس اعلام ناوگان جهانی صمود، هیئت‌هایی از ۶ قاره در این ناوگان حضور دارند. این شرکت‌کنندگان به هیچ دولت یا حزب سیاسی وابسته نیستند و هدف مشترک آن‌ها، شکستن محاصره و رساندن کمک‌های حیاتی به مردم غزه است. این تلاش‌ها توسط چهار ائتلاف اصلی جنبش جهانی به غزه (GMTG)، ائتلاف ناوگان آزادی (FFC)، ناوگان صمود مغرب و صمود نوسانتار سازماندهی شده‌اند.

در این کاروان طیف گسترده‌ای از افراد از جمله پزشکان، وکلا، هنر مندان و فعالان حضور دارند. افرادی مانند گرتا توبرگر فعال سوئدی، ملانی شوایزر دانشمند علوم سیاسی و سیف ابوشک فعال فلسطینی از جمله اعضای کمیته راهبری این ناوگان هستند. این سازمان‌دهندگان حتی مجبور به خرید کشتی هاشم‌لند، زیراهیچ شرکتی



حاضر به کرایه‌دادن کشتی نیست؛ چراکه می‌دانند در مقصد توسط رژیم صهیونیستی مصادره خواهند شد. این تلاش بی‌ظنیر، نشان‌دهنده پایداری وجدان‌های جهانی در برابر جنایات رژیم اشغالگر قدس است. مردم عادی از سراسر جهان، در حالی که بسیاری از دولت‌ها چشم خود را به روی فاجعه بسته‌اند، دست به کار شده‌اند تا بلکه بتوانند باری از دوش زخمی فلسطینیان بردارند.

دلیلی برای ترسیدن وجود ندارد

«دیوید اولسن» فعال آمریکایی در یکی از قایق‌های ناوگان، از همدستی کشورش با اسرائیل صحبت می‌کند. او از وضعیت بیش از دو میلیون نفر در غزه می‌گوید که گرسنه هستند. اولسن این وضعیت را «هولوکاست قرن بیست‌ویکم» نامیده و می‌گوید فرستادن سلاح به جایی که جلوی کمک‌های انسانی را می‌گیرد، غیرقانونی است. او تأکید می‌کند که آمریکا باید هرگونه فروش و انتقال سلاح به اسرائیل را قطع کند.

«دوریس دوبلاک»، کادر درمانی از بلژیک می‌گوید آن‌ها تا آخر راه می‌روند و هیچ وقت متصرف نمی‌شوند. او می‌خواهد دولت‌ها دست از کمک به نسل‌کشی در غزه بردارند. دوریس می‌گوید: «ما به قلب مردم فلسطین نفوذ خواهیم کرد. آن‌ها باید بدانند که ما به سوی آن‌ها می‌آیم.» «مسامر» یکی دیگر از اعضای آمریکایی، از تم پشتیبانی این مأموریت است. او می‌خواهد به تیم‌های دریایی و مردم غزه کمک کند. او می‌گوید آمریکا و اسرائیل برای کسانی که علیه جنایات اسرائیل صحبت می‌کنند، مشکل ایجاد می‌کنند. او با شجاعت می‌گوید: «وقتی می‌دانیم کار درستی می‌کنیم، دلیلی برای ترسیدن نیست. اسرائیل حق دفاع از خود ندارد، چون به کشورهای دیگر حمله می‌کند و به دنبال دفاع از خود نیست.»

اشتباه استراتژیک اسرائیل و کمک به اتحاد مقاومت

تلاش برای شکستن محاصره غزه سابقه طولانی دارد و ناوگان صمود تا این لحظه آخرین حلقهٔ زنجیره مقاومت دریایی است. این حرکت‌ها از تلاش‌های انفرادی آغاز شد و با گذشت زمان، به کاروانی بزرگ تبدیل شد که هدف آن بالا بردن هزینه مقابله برای رژیم صهیونیستی است. این جریان از یک اقدام کاملاً مخفیانه و بدون تبلیغات رسانه‌ای آغاز شد. اولین کشتی با نام «کانسینس» (Conscience)، در اردیبهشت‌ماه به صورت مخفیانه از مالت به سمت غزه حرکت کرد، اما به محض خروج از آب‌های سرزمینی مالت، توسط پهپاد رژیم اسرائیل هدف قرار گرفت و آسیب جدی دید. سرنشینان آن نجات یافتند اما این اتفاق، اولین نشانه از رفتار وحشیانه رژیم صهیونیستی در برابر تلاش‌های بشردوستانه بود. پس از این اتفاق، دو کشتی دیگر به نام‌های «مادلین» (Madeleine) و «حنظله» با هدف مشابه به راه افتادند. کشتی «مادلین» که در خردادماه از اسپانیا حرکت کرد و گرتا توبرگر، فعال محیط زیست سوئدی در آن حضور داشت، در نزدیکی غزه مورد حمله قرار گرفت. تمامی سرنشینان آن بازداشت و کشتی مصادره شد. سرنشینان این کشتی بلافاصله به فرانسه دیپورت شدند. سرنوشت کشتی «حنظله» نیز به همین ترتیب بود. این کشتی که در تیرماه سال جاری از سبیل ایتالیا حرکت کرد، در آب‌های بین‌المللی توسط نیروهای اسرائیلی متوقف و سرنشینان آن بازداشت شدند. نام این کشتی از شخصیت نمادین «حنظله» ساخته کاریکاتورست فلسطینی ناجی علی، گرفته شده بود که نمادی از مقاومت و درد مردم فلسطین است.

این سه تلاش به سازمان‌دهندگان ثابت کرد که ارسال انفرادی کشتی‌ها راه به جایی نخواهد برد و رژیم صهیونیستی به راحتی آن‌ها را متوقف می‌کند. به همین دلیل تصمیم به تشکیل یک کاروان بزرگ و متحد گرفتند تا از نظر لجستیکی و سیاسی، مقابله با آن برای رژیم صهیونیستی پرهزنده‌تر باشد. این رویکرد جدید، در نهایت به

شکل‌گیری «ناوگان جهانی صمود» منجر شد که متشکل از ده‌ها کشتی با صدها فعال از سرتاسر جهان است.

بی‌عملی دولت‌های عربی

ناوگان جهانی صمود در حالی به سمت غزه حرکت می‌کند که بسیاری از کشورهای عربی و اسلامی، به ویژه شیوخ ثروتمند منطقه، در برابر جنایات اسرائیل سکوت کرده و حتی با آن عادی‌سازی روابط کرده‌اند. این بی‌عملی و بدعملی نه‌تنها به ادامه محاصره غزه کمک می‌کند، بلکه باعث می‌شود رژیم صهیونیستی با جسارت بیشتری به جنایات خود ادامه دهد. آن‌ها درحالی‌که می‌توانند با فشار اقتصادی و سیاسی، رژیم صهیونیستی را وادار به عقب‌نشینی کنند، ترجیح می‌دهند بای تفاوتی نظاره‌گر باشند.

این در حالی است که مردم عادی در کشورهای غربی و اروپایی، با وجود خطرات و هزینه‌های بالا، به میدان آمده‌اند و با جمع‌آوری کمک‌های مردمی، کشتی‌ها را خریداری کرده و با تشکیل این ناوگان، به دنبال شکستن محاصره هستند. این مقایسه نشان می‌دهد که چگونه وجدان‌های بیدار مردم دنیا، به مراتب زنده‌تر و فعال‌تر از دولت‌های به ظاهر اسلامی است که به جای حمایت از مردم فلسطین، به فکر منافع شخصی و عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی هستند. این حرکت، علاوه بر تلاشی برای شکست حصر غزه، سیلی محکمی به صورت کسانی است که به نام اسلام، در برابر جنایت علیه مسلمانان سکوت کرده‌اند.

سابقه مقاومت دریایی

تلاش برای شکستن محاصره دریایی غزه از سال ۲۰۰۷، یعنی زمانی که رژیم صهیونیستی این محاصره را به طور کامل اعمال کرد، آغاز شده است. این محاصره، مردم غزه را از دسترسی به آب‌های آزاد و دریافت کمک‌های حیاتی محروم کرده است. در این سال‌ها، چندین مأموریت برای کمک‌رسانی دریایی به غزه انجام شده که هر کدام سرنوشت متفاوتی داشته‌اند. از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «ناوگان آزادی در سال ۲۰۱۰» اشاره کرد که با حمله کماندوهای اسرائیلی به کشتی «ماوی مرمره» و کشته شدن ۱۰ فعال ترک به یک فاجعه انسانی تبدیل شد. این تاریخچه نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی هرگز در برابر تلاش‌های بشردوستانه تسلیم نشده و همواره با توسل به خشونت و نقض قوانین بین‌المللی مانع از رسیدن کمک به مردم غزه شده است.

بسا این حال هر بار که این رژیم به یک کشتی حمله می‌کند، در واقع خودش را بیش از پیش رسوا می‌کند و هزینه ادامه محاصره را افزایش می‌دهد. این حرکت نشانه‌ای از تغییر افکار عمومی در سراسر جهان است، به طوری که در نظر سنجی‌ها حمایت از فلسطین حتی در آمریکا نیز از حمایت از اسرائیل پیشی گرفته است. این ناوگان نه‌تنها حامل کمک‌های بشردوستانه، بلکه حامل پیام مقاومت، ایستادگی و همبستگی جهانی است. این کشتی‌ها نمادی از ایستادگی در برابر ظلم و بی‌عدالتی هستند و حتی اگر به مقصد نرسند، کارکرد رسانه‌ای مهمی دارند و اثر بزرگی بر افکار عمومی می‌گذارند. ناوگان صمود، نشان‌دهنده یسک امید بزرگ برای پایان دادن به محاصره ظالمانه غزه و آغاز دوره جدیدی از مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی است.